

The Supervision of the Chairman of the Parliament on the Approvals of the Government Board: Characteristics, Challenges and Effects

Hasan Ali Shojaeian

Ph.D. student in Public Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

Seyyed Ahmad Habibnezhad *

Associate Professor of Public Law, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran

Mehdi Shaban Nia Mansour

Assistant Professor of Public Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

Abstract

Under Articles 85 and 138 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, the Chairman of the Islamic Consultative Assembly (Parliament) oversees the Cabinet's regulatory approvals, ensuring their compliance with the law and upholding the principle of the rule of law. To support this role, the 1989 Law on the Implementation of Articles 85 and 138 established the Committee for Assessing Government Approvals' Legal Compatibility. This study, using a descriptive-analytical approach, addresses the question: What are the effects of the Chairman's oversight of the Cabinet's regulatory actions?

The findings suggest that, although legislative transparency and sound regulation are not explicitly enshrined in the Constitution, their underpinnings are implicit within its framework, reflecting their recognition in Iran's legal system. The Chairman's oversight significantly enhances legal clarity and promotes well-crafted regulations. Given the risk of regulatory overreach by the government, a multilayered oversight mechanism involving multiple bodies strengthens Iran's legal framework. Accordingly, this study recommends retaining the Chairman's role alongside the Administrative Justice Court's judicial review. This dual parliamentary-judicial approach can curb potential authoritarian tendencies in government.

The rule of law and the protection of citizens' rights require ongoing scrutiny of regulations, beyond formal legal challenges or lawsuits. A robust, multidimensional system—combining parliamentary oversight with judicial review—ensures the government's regulatory actions align with legal principles.

Keywords: Cabinet, Regulation, Bylaw, Inconsistency, Chairman's Authority, Supervision

* **Email:** A.habibnezhad@ut.ac.ir (Corresponding Author)

فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضائی
مقاله پژوهشی، دوره ۲۹، شماره ۱۰۷، پاییز ۱۴۰۳، صفحات ۸۷ تا ۱۱۴
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۷

نظارت رئیس مجلس بر مصوبات هیئت وزیران؛ ویژگی‌ها، مسائل و آثار

| **حسنعلی شجاعیان** | دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، واحد تهران
مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
| **سیداحمد حبیب‌نژاد*** | دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، قم،
ایران.
| **مهدی شعبان‌نیا منصور** | استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، واحد تهران
مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

بر اساس اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی، رئیس مجلس شورای اسلامی بر مصوبات هیئت وزیران از طریق بررسی این مصوبات و تطبیق آن‌ها با قوانین جهت صیانت و اعمال اصل حاکمیت قانون نظارت دارد. برای انجام این نظارت، یک نهاد مشورتی تحت عنوان «هیئت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین» به موجب قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸ تشکیل شده است. آنچه در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت عبارت است از: اینکه آثار نظارت رئیس مجلس بر مصوبات هیئت وزیران چیست؟ بر این بنیاد، از جمله یافته‌های تحقیق می‌توان گفت: شفافیت تقنینی و مقررات‌گذاری مطلوب گرچه در اصول قانون اساسی به صراحت بیان نشده است، اما مبانی آن در قانون اساسی مشاهده می‌شود و این خود نشان‌دهنده پذیرش این موضوع در ساختار نظام حقوقی ایران است. در واقع می‌توان ادعا کرد که نظارت رئیس

Email: A.habibnezhad@ut.ac.ir

* نویسنده مسئول

مجلس بر مصوبات هیئت وزیران در شفافیت قانون و مقررات گذاری مطلوب و مآلاً مقررۀ خوب مؤثر است. از آنجایی که امکان سوء استفاده دولت از ابزار تصویب مقررات بسیار است، نظارت چندلایه و از سوی چند مرجع می‌تواند شایسته تلقی شود و نقطه امتیازی در نظام حقوقی ایران باشد. در واقع بهتر است در کنار نظارت دیوان عدالت اداری، نظارت رئیس مجلس را بر مصوبات هیئت وزیران داشته باشیم تا با بهره‌گیری از نظارتی دو سویه، یعنی نظارت پارلمانی - قضائی، از خودکامگی احتمالی قوه مجریه ممانعت به عمل آوریم. اصل حاکمیت قانون و صیانت از حقوق و آزادی‌های شهروندان اقتضا می‌کند که نظارت مستمری بر مقررات باشد؛ نظارتی که منوط به طرح دعوا و تقدیم دادخواست نباشد. مجموعه نظارت‌های چند بعدی - نظارت رئیس مجلس و نظارت قضائی - با هم می‌توانند نویدبخش التزام دولت به اصل حاکمیت قانون در وضع مقررۀ باشد.

واژگان کلیدی: هیئت وزیران، مقررات گذاری، آیین‌نامه، مغایرت، صلاحیت رئیس مجلس، نظارت.

مقدمه

بر اساس اصل ۱۳۴ قانون اساسی (مصوب ۱۳۵۸) ریاست هیئت وزیران با نخست وزیر بود و مصوبات دولتی نیز به تصویب هیئت وزیران می‌رسید. افزون بر این، طبق اصل ۱۲۶ قانون اساسی: تصویب‌نامه و آیین‌نامه‌های دولتی پس از تصویب هیئت وزیران به اطلاع رئیس جمهور می‌رسد و در صورتی که آن‌ها را برخلاف قوانین (برای مطالعه مفهوم قانون، ر.ک: فدایی جویباری و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۹-۴۷) بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیئت وزیران می‌فرستد. در واقع هیئت وزیران به منزله بزرگ‌ترین مرجع وضع آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های دولتی نقش بسیار مهمی در اداره امور کشور ایفا می‌کند و در این زمینه اختیارات فراوانی دارد، اما با توجه به وسعت اختیار هیئت وزیران در این زمینه و اهمیت بسیار آن در سرنوشت کشور و به منظور جلوگیری از هر نوع بی‌قانونی و سوء استفاده از قدرت، باید بر این مصوبات نظارت دقیقی اعمال شود. این مسئله در راستای انسجام نظام حقوقی و حاکمیت قانون است (پروین و پتفت، ۱۳۹۴: ۶۳).

بر این بنیاد، ماده ۵ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌داشت: تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت پس از تصویب هیئت وزیران به اطلاع رئیس جمهور می‌رسد. رئیس جمهور در صورتی که آن را خلاف قانون تشخیص می‌داد نظر خود را با ذکر دلیل به دولت اعلام می‌کرد. براساس این ماده، مصوبات دولت قبل از انجام اصلاحات لازم قابل اجرا نبود. در صورت عدم توجه به نظر رئیس جمهور و اجرای مصوبه مذکور، وی می‌توانست دستور توقیف اجرای مصوبه را صادر کند (کدخدایی و درویشوند، ۱۳۹۱: ۱۰۲). همچنین به موجب تبصره این ماده، در صورتی که بین رئیس جمهور و هیئت وزیران در رابطه با مغایرت یا عدم مغایرت مصوبه‌ای اختلاف ایجاد می‌شد، نظر رئیس جمهور در رابطه با موضوع لازم‌الاجرا بود. با تجدیدنظر در قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و حذف پست نخست‌وزیری، رئیس جمهور، رئیس هیئت وزیران شد و با توجه به این تغییرات، نظارت وی بر مصوبات دولتی مفهومی نداشت. این امر ایجاب کرد که این کنترل و نظارت بر عهده مرجعی باشد که با قانون سروکار دارد و بر این اساس وظیفه فوق بر عهده رئیس مجلس شورای اسلامی نهاده شد (مشروح مذاکرات بازنگری قانون اساسی، ۱۳۶۹: ۱۵۱۹).

پس از تصویب بازنگری در قانون اساسی، قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی در قالب یک ماده واحده و دو تبصره در سال ۱۳۶۸ به تصویب رسید. در این ماده واحده، سه الزام مضاعف و تبعی برای نظارت مذکور در اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی در نظر گرفته شد: لزوم اصلاح مصوبه ظرف یک هفته پس از اعلام نظر رئیس مجلس شورای اسلامی، لزوم صدور دستور فوری توقف اجرا و لزوم ارائه متن مصوبات مستندات آن، سوابق اطلاعات و متن مذاکرات هیئت وزیران و کمیسیون‌های مربوطه به درخواست رئیس مجلس شورای اسلامی. اما هنوز روند افزایش گستره اعمال نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی و نحوه اعمال آن در سال‌های بعد با افزودن تبصره‌هایی به ماده واحده مزبور باز هم ادامه یافت.

قانونگذار اساسی، علی‌رغم پذیرش استقلال قوا در نظام حقوق اساسی و عدم حق دخالت در امور دیگر قوا و نهادها، اختیارات اجرایی چون مصادیق پیش‌گفته را که دقیقاً

در حیطه اجرایی قرار می‌گیرند و در بسیاری از کشورهای دیگر نیز در زمره اختیارات قوه مجریه قرار دارند، منوط به تصویب مجلس کرده است تا مجلس به‌عنوان تجلی خواست ملی و مردمی در این موقعیت‌های مهم و چالش‌برانگیز حضوری مؤثر و نافذ داشته باشد.

در چنین وضعی اختیار تصویب مجلس و خودداری از آن و نیز تغییر در چهارچوب موقعیت‌های حقوقی مستلزم حضور مجلس، بر استقرار وضع مطلوب و مدنظر نمایندگان برای این موقعیت‌های حقوقی طبعاً مؤثر خواهد بود. در نظام حقوقی ایران براساس اصل ۷۱ قانون اساسی، مجلس از صلاحیت عام قانونگذاری برخوردار است. با نگاهی به این قانون و ارجاعات متعدد آن به قوانین عادی و نیز قوانین متعدد مجلس در این زمینه می‌توانیم گونه‌ای از کنترل‌ها را که نسبت تامی با قانونگذاری مجلس دارند مورد ملاحظه قرار دهیم و هدف از آن الزام دولت به انجام فعل معین یا نهی از انجام امر معین و مباحثی چون تطابق ساختارها و سیاست‌ها با الگوهای تنظیمی مجلس است. روش‌های نظارت در نظام حقوقی ایران به دو دسته روش‌های نظام‌مند نظارت و روش‌های اتفاقی نظارت قابل تقسیم‌اند. منظور از روش‌های نظام‌مند (سیستمی) در نظام حقوقی ایران چهارچوب‌هایی است که به محض تشکیل حقوقی آن مشمول نظارت‌های مجلس می‌شوند (حبیب‌نژاد، ۱۴۰۲: ۱۸؛ راسخ، ۱۳۹۸: ۶۹). این عناوین در نظام ایران به اطلاع رئیس مجلس از اقدامات شبه‌تقنینی دولت و اطلاع از تمام قراردادهایی محدود است که در آن شرط صلح یا ارجاع به داوری گنجانده شده باشد؛ موضوع اصول ۸۵، ۱۳۸ و ۱۳۹ قانون اساسی است.

پرسشی که در این پژوهش مطرح می‌شود، چنین است: نظارت رئیس مجلس بر مصوبات هیئت وزیران (موضوع اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی) دارای کدام ویژگی‌ها، مسائل و آثار هستند؟ نگارندگان این پژوهش برای یافتن پاسخ به پرسش مزبور داده‌های لازم را از طریق روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری کردند و با روش توصیفی - تحلیلی به کنکاش آن‌ها خواهند پرداخت.

اهمیت پاسداری از قانون در حوزه مصوبات هیئت وزیران ایجاب کرده است که قانونگذار دو اصل از اصول قانون اساسی را به آن اختصاص داده است و تبعاً قانون نحوه اجرای این اصول را هم وضع کرده است. نظر به اهمیت این نوع از صلاحیت و با عنایت به

اینکه ادبیات حقوقی موجود در ایران در رابطه با ویژگی‌ها، مسائل و نظارت ناشی از این نوع صلاحیت رئیس مجلس غنی نیست، این پژوهش در جهت افزایش غنای ادبیات مزبور نگارش یافته است.

از لحاظ پیشینه تحقیق، در ارتباط با موضوع رسیدگی و اعلام نظر رئیس مجلس پیش‌تر پژوهش‌هایی صورت گرفته است. بیشتر این پژوهش‌ها در رابطه با تحول تدریجی نوع صلاحیت نظارتی رئیس مجلس، آسیب‌شناسی نظارت رئیس مجلس بر مقررات دولتی، تحلیل سازوکار نظارت رئیس مجلس بر این نوع از مصوبات و حدود نظارت تقنینی بر آن‌ها با تأکید بر اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بیان سنجش نظارت برتر بر مقررات دولتی در ایران با بیان تفاوت‌های نظارت رئیس مجلس و دیوان عدالت اداری بر مصوبات دولت است (در این باره ر.ک. حبیب‌نژاد، ۱۴۰۲؛ راسخ، ۱۳۹۸؛ مددکار حق‌جو و همکاران، ۱۳۹۸؛ درویشی و کاظم‌زاده نظری، ۱۳۹۷؛ کاظم‌زاده نظری، ۱۴۰۱؛ خسروی، ۱۳۹۵؛ پروین و پتفت، ۱۳۹۴؛ ویژه، ۱۳۹۳؛ فلاح‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴). با وجود این، در این پژوهش‌ها در رابطه با ویژگی‌ها، مسائل و آثار نظارت رئیس مجلس بر مصوبات هیئت وزیران یا مطالب جامعی دیده نمی‌شود یا اندک است و یا صرفاً بدون توجه به واقعیت‌های عملی و رویه‌های مستقر در هیئت تطبیق مصوبات و صرفاً از منظر نظری و انتزاعی است و این پژوهش درصدد رفع این نقیصه‌هاست. در رابطه با ساماندهی تحقیق گفتنی است که در این پژوهش به ترتیب از روش‌های نظارت تقنینی نظام‌مند مجلس در نظام حقوقی ایران، جایگاه مجلس و رئیس مجلس در نظارت بر مصوبات دولتی در حقوق تطبیقی، ویژگی‌ها و چهارچوب نظارت رئیس مجلس بر مصوبات دولت، چالش‌های اعمال نظارت رئیس مجلس و اثر اعمال نظارت رئیس مجلس بر ارتقای کیفیت مقررات‌گذاری سخن به میان خواهد آمد.

۱. روش‌های نظارت تقنینی نظام‌مند مجلس در نظام حقوقی ایران

منظور از کنترل‌های تقنینی، نقش مجلس و محصول تقنینی آن یعنی قوانین در هدایت دولت به چهارچوب‌های مدنظر خود و الزام به انجام اعمال یا سیاست‌های معین یا نهی از

آن یا تطابق وضعیت حقوقی و سازمانی و سیاسی دولت با الگوهای مدنظر مجلس است که براساس آن دولت مکلف به انجام عمل با روش‌های خاص، برای نیل به اهداف معین و با استفاده از ابزارهای مالی خاص می‌شود. طبق اصل ۷۱ قانون اساسی: «مجلس در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع نماید». با دقت در موضوعاتی که مجلس در اعمال این صلاحیت خویش در حوزه تقنین صورت داده است درمی‌یابیم که این موضوعات دربرگیرنده جنبه‌های گوناگون زندگی سیاسی و اجتماعی است، برای نمونه، تعیین مجازات‌ها، روابط مالی اشخاص، روابط تجاری، شرایط دادرسی عادلانه، آزادی‌ها، تکالیف، تعیین حدود قدرت و اختیار دولت در انجام سیاست‌ها. با این فهم می‌توان دریافت که قانونگذار اساسی با توجه به دگرگونی شرایط اجتماعی که لازم‌آورنده تغییر در قواعد و اصلاح آن است، مجلس را واجد چنین اختیاری دانسته است. در این قسمت روش‌های نظارت در نظام حقوقی ایران مورد توجه قرار می‌گیرد. این روش‌ها در نظام حقوقی ایران به دو دسته روش‌های نظام‌مند نظارت و روش‌های اتفاقی نظارت قابل تقسیم‌اند. با توجه به موضوع تحقیق، در این پژوهش، صرفاً به نظارت نظام‌مند به ویژه نظارت رئیس مجلس مورد نظر است.

۱-۱. نظارت تقنینی رئیس مجلس

موضوع رسیدگی رئیس مجلس «مصوبات» هیئت وزیران است. مصوبات هرچند عمدتاً شامل آیین‌نامه، اساسنامه و مقررات نوعی است، ولی در مواردی از جمله انتصاب افراد به مسئولیت‌های مختلف که طبق قانون بر عهده هیئت وزیران است، ماهیت مصوبه شخصی و نوعی است. رئیس مجلس بر مصوبات هیئت وزیران فارغ از شخصی یا نوعی بودن آن‌ها و به صرف وضع مصوبه مبتنی اصول ۸۵ یا ۱۳۸ قانون اساسی، نظارت قانونی مستلزم اصلاح در صورت مغایرت اعمال می‌کند.

در اصل ۸۵ به غیرقابل تفویض بودن اختیارات نمایندگی و منع واگذاری این اختیارات جز در شرایط خاص اشاره شده است. ذیل این اصل آمده است که اختیاراتی که بر این اساس به دولت واگذار می‌شود نباید مخالف قوانین و مقررات کشور و موازین شرعی باشد

و باید به منظور بررسی و اعلان عدم مغایرت ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس نیز برسد. ممکن است تصور شود که با توجه به منع مخالفت آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های دولت با قوانین، تأیید رئیس مجلس رسمیت‌بخش به آن است. با وجود این، به نظر می‌رسد با توجه به اینکه اصل ۱۳۸ این مخالفت را منوط به مستند بودن کرده است. در واقع، باید اصل را بر مطابقت اعمال شبه‌تقنینی دولت با قوانین بنا نهاد که در این حالت رئیس مجلس با بیان مستندات مخالفت خود که مرجع تفسیر در صورت حدوث اختلاف نیز خود وی است، از اجرای قواعد شبه‌تقنینی خلاف قوانین جلوگیری به عمل خواهد آورد. اصل ۱۳۸ همچنین با گسترش مصادیق نسبت به اصل ۸۵، تمام تصویب‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر را مشمول قواعد فوق دانسته است و در واقع بخش نخست، تعیین‌کننده مصادیق نظارت‌ها و بخش آخر آن، تعیین‌کننده نحوه نظارت رئیس مجلس بر این مصوبات است. آنچه در اینجا به نظر می‌رسد آن است که آیا الفاظ تصویب‌نامه و بخش‌نامه در این اصل منحصرند یا مقامات دارای این اختیار تحت عناوینی غیر از آن چون موافقت‌نامه و... می‌توانند مبادرت به صدور قواعد کنند و آن را از حیطة شمول نظارت رئیس مجلس خارج سازند؟

به نظر می‌رسد مبنای این اختیار، تنها برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قانون و تنظیم سازمان‌های اداری است و بنابر آنچه که در این اصل آمده، اقدامات دولت در این زمینه از عناوین فوق‌الذکر یعنی آیین‌نامه و بخشنامه و تصویب‌نامه برخوردار است و به این واسطه به نظر نمی‌رسد دولت در این زمینه حق تغییر عناوین را داشته باشد. بر این اساس، طبعاً نمی‌توان این امر را در برابر رئیس مجلس قابل استناد دانست. نکته دوم در این زمینه معطوف به مسئولان و مخاطبان این الزام است؛ در بخش دوم این اصل که به ضمانت اجراها می‌پردازد تنها به تصویب‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر اشاره می‌کند، لیکن مخاطب این الزام هیئت وزیران، هر یک از وزرا و کمیسیون‌های فوق‌الذکرند. امری که در این زمینه به نظر می‌رسد تا حدی مبهم باشد، تکلیف بخشنامه‌های وزراست که به نظر می‌رسد با تفسیر عام تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی در این زمینه می‌توان وزرا را نیز مشمول این نظارت قرار داد.

در کنار صراحت این اصل، براساس «قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی» چنانچه رئیس مجلس مصوبه‌ای از مراجع مذکور را خلاف قوانین بیابد آن را با ذکر دلیل به همان مرجع ارسال می‌دارد تا به اصلاح مصوبه و دستور توقف اجرا مبادرت ورزد. چنانچه اختلاف بین رئیس مجلس و نهادهای پیش گفته در نوع استنباط از قوانین باشد، وفق تبصره ۱ این قانون، نظر رئیس مجلس معتبر خواهد بود. در کنار این امر رئیس مجلس می‌تواند از مراجع فوق سوابق، اطلاعات، مستندات و صورت جلسات را درخواست کند. در راستای اجرای این قانون نیز هیئتی به نام «هیئت تطبیق مصوبات دولت با قوانین» زیر نظر رئیس مجلس تشکیل شده است که به بررسی و مطابقت قواعد شبه تقنینی دولت با قوانین می‌پردازد. در این راستا نمونه‌هایی مانند آیین‌نامه اجرایی قانون تردد وسایط نقلیه جهت کاهش آلودگی هوا، تصویب‌نامه نحوه هزینه‌کرد وجوه واریزی بابت اخذ جرائم تعزیرات حکومتی، آیین‌نامه رسیدگی به تخلفات اداری و ... با استناد به چهارچوب‌هایی چون توسعه قوانین، مغایرت با قوانین به گونه‌ای ماهوی و تخطی از قواعد مالی مورد ابطال قرار گرفته‌اند (ویژه، ۱۳۹۳: ۲۲۱).

۲-۱. نظارت بر اجرایی شدن قوانین و وضع مقررات قانونی

معاونت نظارت مجلس در ساختار اصلاحی مجلس شورای اسلامی مستند به تبصره ۲ ماده ۶۹ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی (الحاقی ۱۳۸۷) به‌عنوان یکی از ابزارهای اعمال نظارت تقنینی مجلس الحاق شد و به موجب آن علاوه بر ایجاد سازوکارهای نحوه ورود نمایندگان ناظر در شوراها و دستگاه‌های اجرایی کشور یکی از رسالت‌های اصلی آن، پیگیری اجرایی شدن قوانین مصوب مجلس است که اعمال دقیق آن می‌تواند در انجام به موقع تکالیف دولت در وضع مقررات لازم‌الاجرا و تکلیفی برای اجرایی شدن قوانین به کار آید که از جمله آن می‌توان به پیگیری تصویب آیین‌نامه‌های تکلیفی در قوانین برنامه ششم توسعه کشور و قوانین بودجه سالیانه کشور در موعد مقرر اشاره کرد که با ورود در این عرصه موجب شد تا دولت‌ها به زمان‌بندی وضع مقررات در موعد مقرر پای‌بند باشند.

در این خصوص می‌توان به گزارش‌های نظارتی این مرجع جهت تدوین و تصویب آیین‌نامه‌های قانون مدیریت خدمات کشوری و قوانین برنامه اشاره کرد.

۲. جایگاه مجلس و رئیس مجلس در نظارت بر مصوبات دولتی در حقوق تطبیقی

در الگوی فرانسوی یا آمریکایی چنین اختیاری برای رئیس مجلس قائل نیستند. آنچه میان این مدل‌ها مشترک است آن است که رؤسای مجلس مهم‌ترین کارشان اداره بی‌طرفانه جلسات مجلس است. وی هم نماینده‌ای است مانند مابقی نمایندگان، منتهی از آنجایی که برای اداره امور پارلمان و ریاست اداره امور پارلمان لازم است که کسی تعیین شود، این مقام را به این فرد اختصاص می‌دهند، اما اینکه همچون نظام حقوقی ایران نظر رئیس مجلس را جایگزین نظر یک قوه کند و تصمیمات وی جایگزین تصمیمات قوه اجرایی شود تقریباً نمونه بی‌نظیری است (تقی‌زاده و حبیب‌نژاد، ۱۴۰۱: ۹۲). از جمله این موارد که مؤید وجود تفاوت اساسی بین این نظام‌هاست، می‌توان به عضویت رئیس مجلس در شوراهای فراقوه‌ای از جمله شورای عالی فضای مجازی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی هماهنگی سران قوا اشاره کرد که از حیث قدرت و اختیار فراتر از یک نماینده عادی در مجلس قدرت اعمال نظر دارد و صرفاً نماینده یک مجموعه از نمایندگان پارلمان نبوده و جایگاه ریاست مجلس موضوعیت دارد.

۳. ویژگی‌ها و چهارچوب نظارت رئیس مجلس بر مصوبات هیئت وزیران

رئیس مجلس می‌تواند براساس اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی تمام مصوبات هیئت وزیران را از جهت مطابقت با قوانین عادی مورد نظارت قرار دهد. بر این مبنا و به استناد قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ هیئتی به نام هیئت بررسی و تطبیق مصوبات دولت به‌عنوان بازوان مشورتی رئیس مجلس در سال ۱۳۶۸ در اعمال این نظارت شکل گرفت. در این قانون ضمن پیش‌بینی حدود این نظارت، نحوه نظارت نیز مورد مذاقه قانونگذار قرار گرفت و به موجب ماده واحده و تبصره‌های ذیل آن، چنانچه این هیئت مصوبه را مغایر قانون تشخیص ندهد، مصوبه مغایر با قانون تلقی نشده و نتیجه بررسی‌ها پس از تأیید رئیس

مجلس به اطلاع دولت می‌رسد؛ اما اگر تمام یا قسمتی از مصوبه هیئت وزیران مغایر قانون تشخیص داده شود، دبیر هیئت با ذکر مواد و بندهای مواجهه با ایراد مستند به قوانین عادی، نظریه‌ای را تحت عنوان رأی مقدماتی هیئت به دولت ارسال می‌کند و دولت ۱۰ روز فرصت دارد یا ضمن ارسال پاسخی مستند و مستدل از مصوبه خود دفاع و یا نسبت به اصلاح آن اقدام کند. چنانچه به هر دلیل دولت از این فرصت استفاده نکند، رأی مقدماتی هیئت تطبیق با تأیید و امضای رئیس مجلس به عنوان نظریه نهایی و رأی قطعی ابلاغ شده و مصوبه پس از گذشت یک هفته ملغی‌الاثرب می‌شود. البته آثار حقوقی این نظارت به این امر محدود نمی‌شود (تیلا، ۱۳۸۳: ۲۵). مرجع تصویب‌کننده مصوبه باید ظرف یک هفته نسبت به تأمین نظر ریاست مجلس اقدام کند و مصوبه را مطابق با نظر رئیس مجلس مورد اصلاح قرار دهد یا رأساً لغو کند. لذا نظر رئیس مجلس رأساً تغییری در اعتبار مصوبه ایجاد نمی‌کند، بلکه مقامات واضح مصوبه مغایر را ملزم می‌سازد نسبت به اصلاح و لغو مصوبه اقدام کنند. اگر در مدت مذکور به نظر رئیس مجلس ترتیب اثر داده نشود، مصوبه مغایر خود به خود از اعتبار ساقط می‌شود. در این صورت عدم اصلاح یا لغو مصوبه مغایر در زمان مقرر هیئت وزیران باید مراتب را فوراً حسب مورد به مرجع یا مراجع اجرایی ذیربط برای توقف کامل اجرا اعلام کنند.

۳-۱. ویژگی‌های نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی بر مصوبات هیئت وزیران

الف) مهم‌ترین ویژگی در نظارت رئیس مجلس، این است که نظارت این مقام بر قاعده‌گذاری مقررات اجرایی نظارت بر قانون‌مداری ماهوی و شکلی را در بر می‌گیرد؛ درواقع، رئیس مجلس به صلاحیت هیئت وزیران یا جنبه‌های نقض آن مانند خروج از حدود اختیارات می‌پردازد.

ب) دومین ویژگی این است که نظارت رئیس مجلس جامع است و بدون نیاز به طرح دعوا، شامل تمام مصوبات موضوع اصل ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی است. رؤسای مجلس نیز در دوره‌های مختلف سعی کرده‌اند تا تمام مصوبات صادره از هیئت وزیران را که به موجب اصول مزبور تصویب شده است، بررسی و اعلام نظر کنند. هرچند بعضاً به اعتماد

دولت، صرفاً مصوبات ارسالی بررسی شده است و در مواردی و البته بعد از دولت نهم، سعی شده است از هر طریقی از جمله سامانه‌های مجلس و دیوان محاسبات، اقدام به دریافت و بررسی مصوبات شود.

ج) ویژگی مهم دیگر این است که در منابع صلاحیت نظارتی رئیس مجلس از نظر نسبت مقررات اجرایی مورد نظارت و قوانین شاهد نوعی سردرگمی و آشفتگی هستیم. توضیح اینکه اصل قانون‌مداری بین قوانین و مقررات اجرایی ارتباط ایجاد می‌کند؛ این ارتباط را از دو جنبه می‌توان تحلیل کرد: یا مقررات اجرایی باید هماهنگ با قوانین باشد (نگرش حداکثری یا ایجابی) و یا اینکه مقررات مغایر قوانین نباشد (نگرش حداقلی یا سلبی). تفاوت این دو گونه را به سهولت می‌توان دریافت: در شق نخست، مقررات اجرایی در صورت پیش‌بینی کامل شکلی و ماهوی در قوانین قانون‌مدار است و در شق دوم، عدم تعارض با قوانین، مقررات اجرایی را قانونمند می‌سازد (ویژه، ۱۳۹۳: ۲۲۷).

د) اصل ۱۳۸ قانون اساسی دلالت صریحی در خصوص ابطال مصوبات خلاف قانون دولت توسط رئیس مجلس ندارد و به نقش نظارتی رئیس مجلس اکتفا کرده است که عبارت این اصل بنا به دلایل زیر مبین نظارت استصوابی رئیس مجلس بر مصوبات هیئت وزیران و اختیار ابطال آن‌ها نیست. هرچند که برخی معتقدند رئیس مجلس اصولاً جایگاه مدیریتی دارد و نمی‌توان نظارت استصوابی را برای وی قائل شد به‌ویژه که ماهیت مجلس به نحوی است که اعتبار تصمیمات آن به صورت جمعی و منوط به تصمیم‌گیری جمعی اکثریتی نمایندگان است و قائل شدن اختیار برای یک شخص خلاف ماهیت این رکن تقنینی است. از جهت نظارت استطلاعی، رئیس مجلس می‌تواند در صورتی که دولت علی‌رغم اعلام ایراد، مصوبه مربوطه را اصلاح نکرد از طریق ظرفیت‌های قانون اساسی نظیر طرح شکایت در دیوان عدالت اداری اقدام کند (صادقی نشاط، ۱۳۹۴)، اما باید گفت که نظارت رئیس مجلس بر مقررات ناشی از شأن ریاست قوه‌ای وی است. به عبارت دیگر، در تفسیر اختیارات و جایگاه رئیس مجلس، مفسر بایستی پیشینه استبدادی قوه مجریه در تاریخ معاصر را مدنظر داشته باشد و صلاحیت و اختیارات مجلس و گستره آن را در راستای جلوگیری از خودکامگی قوه مجریه تفسیر کند.

در دکترین، گروهی موافق با نظارت رئیس مجلس بر مصوبات دولت هستند (حیب‌نژاد و سعید، ۱۳۹۹). ایشان معتقدند برخی مصوبات دولتی پس از نظارت مجلس خلاف قانون عادی تشخیص داده شده‌اند، زیرا نظارت رئیس مجلس به صورت خودکار اعمال می‌شود. اگر این نظارت نباشد چه بسا مغایرت با قانون این مصوبه مورد شکایت قرار نگیرد. اگر مصوبه‌ای طبق نظر مجلس خلاف قانون تشخیص داده می‌شود، باید همان لحظه ابطال شود تا اجرا نشود و اثری بر جا نگذارد نه اینکه با رد مصوبه توسط مجلس، آن مصوبه در آن هنگام در حال اجرا باشد و ابطال مصوبه توسط مجلس به دولت ابلاغ می‌شود تا دولت مجدداً در مصوبه خود تجدید نظر کند. اقدام رئیس مجلس در کنترل استطلاعی نیست، بلکه پشتوانه ابطال دارد و این امر در تبصره چهارم قانون الحاق ۵ تبصره به قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸ آمده است. لذا نظارت رئیس مجلس نظارت استصوابی است و ضمانت اجرای حقوقی دارد.

گروه موافق، رئیس مجلس را صالح به رسیدگی به مصوبات دولتی می‌دانند، اما در مقابل، دیدگاه مخالف نیز وجود دارد (مددکار حق جو و همکاران، ۱۳۹۸). رئیس مجلس طبق اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی تنها خلاف قانون بودن مصوبه هیئت وزیران را با قانون تشخیص می‌دهد و ابطال آن طبق اصل ۱۷۰ قانون اساسی با دیوان عدالت اداری است. تصویب‌نامه و آیین‌نامه‌های دولت هم‌زمان با ابلاغ به دستگاه‌های اجرایی به اطلاع رئیس مجلس می‌رسد؛ یعنی نظارت رئیس مجلس استطلاعی است و رئیس مجلس در صورتی که مصوبه‌ای را خلاف قانون تشخیص داد، باید با ذکر دلیل برای تجدیدنظر آن را به هیئت وزیران برگرداند. اگر نظارت استصوابی مدنظر بود باید از لفظ تأیید مصوبات توسط رئیس مجلس قبل از ابلاغ سخن گفته می‌شد. با ایراد رئیس مجلس به مصوبه، آن مصوبه باطل نمی‌شود و دولت باید در مصوبه خود تجدیدنظر کند. پس ابطال مصوبه توسط خود رئیس مجلس خلاف قانون عادی و قانون اساسی است. همچنین نظارت رئیس مجلس بر مصوبات دولت استثنا بر اصل تفکیک قواست، زیرا وظیفه ذاتی قوه قضائیه نوعی نظارت قضائی بر مصوبات دولتی است و دیوان عدالت اداری به‌عنوان مرجع قضائی اختصاصی

ناظر بر اعمال دولت، حق ابطال مصوبات خلاف قانون و شرع را دارد و نه توسط مرجعی غیرقضائی (قزوینی نژاد، ۱۳۹۲: ۵۲).

به نظر می‌رسد اگرچه غیرترافعی بودن نظارت رئیس مجلس یک مزیت به حساب می‌آید و مغایر قانون بودن مصوبات را قبل از اینکه توسط افراد مورد شکایت قرار بگیرد، چه بسا اصلاً توسط افراد از آن شکایت نشود تشخیص می‌دهد، اما سایر دلایل طرفداران این نظارت چندان موجه به نظر نمی‌رسد و حتی استناد به ضمانت اجرای مذکور در تبصره قانون نحوه اجرا هم درست به نظر نمی‌رسد، زیرا این قانون مصوب مجلس شورای اسلامی است و در واقع خود مجلس اختیارات رئیس مجلس را گسترش داده است و می‌توان گفت دلایل مخالفان همانطور که پیش‌تر اشاره شد، ناشی از نادیده گرفتن تاریخ معاصر ایران و خودکامگی‌های قوه مجریه در این کشور است. بنابراین، بهتر است دلایل مخالفان نه صرفاً وجه حقوقی که وجه سیاسی مسئله را نیز در نظر داشته باشد.^۱

۲-۳. چهارچوب اعمال نظارت رئیس مجلس

مطابق اصل ۱۳۸ قانون اساسی، هیئت وزیران ممکن است به حکم قانون، مأمور تدوین آیین‌نامه اجرایی شود و نیز ممکن است هیئت وزیران یا وزرا بدون وجود تکلیف قانونی برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد. افزون بر این، طبق اصل مزبور، جایز است به جای اینکه برخی از آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌ها در خود هیئت وزیران بررسی و تصویب شود، با اجازه دولت بررسی و تصویب آن به کمیسیونی که از چند وزیر تشکیل می‌شود، واگذار شود (مهرپور، ۱۳۸۷: ۳۱۶).

آنچه در اصل ۱۳۸ قانون اساسی آمده است، قاعده‌گذاری تفویضی از سوی مجلس نیست، بلکه ذاتی و از لوازم اجرای قانون است. البته مصوبات از نظر سلسله‌مراتب ذیل قانون قرار می‌گیرند و با قانون نباید تعارض داشته باشند. در واقع معنای آیین‌نامه مستقل این است که در زمینه‌هایی که قانونگذار وضع قاعده آمره نکرده است، دولت صلاحیت

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک. عیوضی، ۱۳۸۳: ۵۰-۵۷؛ صوفی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵-۳۲.

آیین‌نامه‌گذاری دارد. به‌علاوه مسائل اداری و اجرایی که در صلاحیت اختصاصی و انحصاری قوه مجریه قرار دارد، گاهی اوقات از طریق همین آیین‌نامه و تصویب‌نامه‌ها سازماندهی و انجام می‌شود. در چنین حالتی بدیهی است که این آیین‌نامه‌ها را نمی‌توان آیین‌نامه‌های مربوط به اجرای یک قانون دانست، زیرا فرض بر آن است که قانونی در این زمینه وجود ندارد. (فلاح‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱۶). اصل ۱۳۸ استثنایی بر صلاحیت‌های محوری پارلمان ایران است و منحصرأ مقامات عالی قوه مجریه را منشأ صدور و تدوین مقررات می‌داند. علاوه بر آن برای تضمین هماهنگی مقررات مصوب دولت با قوانین مصوب مجلس، ضرورت اطلاع رئیس مجلس در قسمت اخیر اصل مزبور ذکر شده است (محمودی، ۱۳۹۵: ۳۹۸).

نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی بر مقررات دولتی نیز با توجه به خودکار بودن و سرعت آن در رسیدگی، سازوکار مناسبی برای نظارت بر این مقررات است (فلاح‌زاده و ابریشمی راد، ۱۳۹۳: ۱۲۲). به موجب این دو اصل نظارت رئیس مجلس به نوعی ناظر به مصوبات هیئت وزیران و در چارچوب قوانین عادی است. البته تأکید قانونگذار اساسی در هر دو اصل بر ضرورت ارسال مصوبات به رئیس مجلس هم‌زمان با ابلاغ برای اجرا بر این اصل تأکید دارد که به‌منظور پاسداری از حاکمیت قانون می‌بایست این اعمال نظارت هم‌زمان با شروع فرایند اجرایی شدن مصوبات باشد.

۴. چالش‌های اعمال نظارت رئیس مجلس

چالش‌های ناشی از اعمال صلاحیت نظارتی رئیس مجلس بر مصوبات هیئت وزیران به شرح زیر قابل تبیین و تشریح است:

۴ - ۱. قلمرو نظارت به‌واسطه تفسیر کلمه «قوانین»

در سال ۱۳۷۰ رئیس مجلس شورای اسلامی درخصوص لفظ قوانین در اصل ۱۳۸ قانون اساسی نظر شورای نگهبان را مبنی بر اینکه آیا این لفظ شامل قانون اساسی نیز می‌شود خواستار شد. شورای نگهبان نظر تفسیری خود را به این شرح اعلام کرد: در نظریه شماره

۲۱۰۱ تاریخ ۱۳۷۱/۰۶/۱۵، کلمه قوانین مذکور ذیل اصل ۱۳۸ قانون اساسی شامل قانون اساسی نمی شود.

مورد دیگر درخواست نظر تفسیری شورای نگهبان در پی نامه رئیس جمهور وقت در سال ۱۳۷۷ به شماره ۱۴۴۹۰ م ۱۷۷ تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۱۸ است که شورای نگهبان پس از بررسی این موضوع چنین اعلام می دارد: چون ماده ۱۸ قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش از نظر شورای نگهبان گذشته و مغایر با شرع یا قانون اساسی تشخیص داده نشده است، لذا ماده مذکور قانونیت دارد و قابل اجراست. بالتبع اعتبار آیین نامه ای که بر مبنای ماده مذکور به تصویب رسیده به قوت خود باقی است (مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۸۱: ۲۰۳). با بررسی نظرات شورای نگهبان در مواردی که این شورا با استناد به اصل ۱۳۸ ایراد مغایرت با قانون اساسی را مطرح کرد، موارد ذیل قابل برداشت است:

۱. درخصوص اصل ۱۳۸ قانون اساسی باید اشاره کرد که شورای نگهبان در ایرادات خود به مصوبات مجلس از دو منظر به آیین نامه ها پرداخته است؛ نخست آنکه در صورتی که سخن از آیین نامه اجرایی در یک مصوبه آمده باشد حتماً باید توسط مقام ذیربط یعنی هیئت وزیران و وزیر مربوطه صادر شود و صدور آن ها باید با هرگونه دخالت دیگران و عدم تأیید نهایی وزیر یا رئیس جمهور، خلاف اصل ۱۳۸ اعلام می شود و دیگر آنکه صدور آیین نامه های مستقل در حوزه های انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان های اداری تا جایی که برخلاف قوانین عادی نباشد امر اجرایی و در صلاحیت هیئت وزیران و وزیر مربوطه است (راجی و برومند، ۱۳۹۲: ۱۱۴). مشاهده می شود که شورا در برخی موارد به رویه خود عمل نکرده و نظراتی متفاوت ارائه داشته است. دلیل این امر می تواند تغییر اعضای شورای نگهبان به مرور زمان و حتی تکامل و تغییر فهم اعضای شورا از اصول قانون اساسی اشاره کرد.

۲. نکته دیگر در این مورد به اشکال پیش گفته در باب ضمانت اجرا عدم اطلاع رسانی دولت در زمینه نظارت رئیس مجلس مرتبط است که در این مورد نیز چون وضع پیشین ضمانت اجرایی برای این امر در نظر گرفته نشده است. در این زمینه این نکته قابل ذکر است که در بسیاری از قوانین اساسی اثری از ضمانت اجرا و یا مجازات وجود ندارد که

به نظر می‌رسد این امر در آن ریشه دارد که انتظار عمومی آن است که رئیس جمهور و وزرا از سطح بالای اخلاقی و تعهد به اجرای قوانین برخوردار باشد و خصیصه تریبی و تزدیلی مجازات در این زمینه به نظر نمی‌رسد شایسته عالی‌ترین مقام منتخب مستقیم مردم باشد. در این زمینه می‌توان از مبنای مناسبی برای مقابله با تخلفات بهره برد.

۴-۲. قابلیت اجرای نظرات رئیس مجلس در مقررات‌گذاری هیئت وزیران

الف) نظر رئیس مجلس ممکن است مبتنی بر برداشتی از قانون باشد که با اقتضائات اجرایی، سیاسی و اجتماعی تطبیق نکند.^۱

۱. مانند نظر رئیس مجلس شورای اسلامی درخصوص تصویب‌نامه هیئت وزیران موضوع تعیین ضریب حقوق کارکنان و بازنشستگان دستگاه‌های اجرایی (شماره ۱۰۰۹۶/ه ب - ۱۴۰۲/۲/۱۳) که در آن رئیس مجلس، تبعات روانی مثبت قانون مورد ایراد را برای جامعه در نظر نگرفته است: بازگشت به رونوشت تصویب‌نامه هیئت محترم وزیران به شماره ۳۶۰۷/ت/۱۱۲۴ هـ مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۱۵، موضوع: «تعیین ضریب حقوق کارکنان و بازنشستگان دستگاه‌های اجرایی در سال ۱۴۰۲»، متعاقب بررسی‌ها و اعلام نظر مقدماتی «هیئت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین» و مستنداً به صدر ماده واحده و تبصره ۴ الحاقی به «قانون نحوه اجرای اصول هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصلاحات بعدی» و ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی آن، مراتب متضمن اعلام نظر قطعی جهت اقدام لازم در مهلت مقرر قانونی و اعلام نتیجه به این جانب ابلاغ می‌شود. بدیهی است پس از انقضای یک هفته مهلت مقرر در قانون، آن بخش از مصوبه که مورد ایراد قرار گرفته است، ملغی‌الاثراً خواهد بود.

۱. از آنجا که طبق جزء «۱» بند «الف» تبصره (۱۲) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۴۰۲ به «افزایش ضریب حقوق کارکنان» اشاره شده است، بند (۳) مصوبه که درخصوص تعدادی از کارکنان، به «افزایش حقوق» تصریح کرده، از حیث تغییر عنوان و مترتب بودن آثار و تبعات متفاوت هر یک با دیگری، مغایر قانون می‌باشد. ۲. نظر به اینکه جزء «۱» بند «الف» تبصره (۱۲) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور با علم و آگاهی قانونگذار از وجود ماده (۷۶) قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶ - به تصویب رسیده و به رغم ترتیبات مقرر در این ماده، لکن، جزء «۱» بند «الف» تبصره مذکور راجع به حداقل حقوق کارکنان دولت در سال جاری دارای حکم خاص می‌باشد، علیهذا بند (۵) مصوبه و تبصره‌های آن مبنی بر تعیین حداقل حقوق کارکنان دولت و تعیین حداکثر حقوق به میزان (۷) برابر آن، مغایر قانون است. همچنین سایر بندهای مصوبه که تصریحاً یا تلویحاً مبتنی بر این بند به تصویب رسیده، به تبع مغایرت مذکور، مغایر قانون است. ۳. نظر به اینکه براساس جزء «۱» بند «الف» تبصره (۱۲) ماده واحده قانون بودجه

ب) نظر رئیس مجلس بعد از زمان طولانی اعلام شود که در این صورت با اصلاح مصوبه دولت، دو وضعیت حقوقی متفاوت در قبل و بعد از اصلاح مصوبه حادث شود، به ویژه آنکه نظر رئیس مجلس چون موجب بطلان مصوبه نمی‌شود، حقوق افرادی که از قبل از اصلاح صاحب حقی شده‌اند در زمره حقوق مکتسب ایشان قرار گرفته و به این جهت مجری و محترم خواهد بود. در حالی که سایر اشخاصی که بعد از اصلاح مصوبه مشمول احکام مصوبه شده‌اند از آن حقوق یا امتیازات برخوردار نخواهند شد. در واقع، ابلاغ یک مصوبه برای اجرا و ارسال هم‌زمان آن برای نظارت از منظر کارکردی و نظام صحیح اداری منطقی به نظر نمی‌رسد، زیرا دولت ممکن است در حالی در جهت اجرای یک مصوبه خود به صرف بیت‌المال و بسترسازی اجرا پردازد و انتظارات عمومی را برانگیزد و حقوق مکتسب ایجاد کند که در هر زمان ممکن است رأی رئیس مجلس ناظر بر توقف اجرای آن باشد. منطقی نیست که پس از طی مقدماتی که ممکن است برای دولت مسئولیت حقوقی اعم از مالی، اداری یا تعهدات دیگری را ایجاد کند نظر ناظر مبنی بر مغایرت اعلام شود (کاظم‌زاده نظری و درویشی، ۱۳۹۷: ۲۳۲).

۴-۳. عدم دسترسی رئیس مجلس به برخی مصوبات

ممکن است تصویب‌نامه‌ای به هر دلیل از جمله تغییر عنوان به عناوینی که در دهه ۱۳۸۰ مرسوم بود، همانند تفاهم‌نامه، بخشنامه و... توسط رئیس مجلس دریافت نشود و بالتبع مورد

۴

سال ۱۴۰۲ کل کشور حداقل حقوق کارکنان دولت در این سال تعیین شده، ذیل بند (۶) مصوبه مبنی بر تعیین مبلغی کم‌تر از رقم مذکور برای آن دسته از کارکنان دولت که در سال جاری به استخدام درمی‌آیند و...، مغایر قانون است. ۴. براساس بند (۱) ماده واحده قانون اصلاح قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور و ترمیم حقوق کارکنان و بازنشستگان کشوری و لشکری - مصوب ۱۴۰۱ - مبالغ موضوع این قانون، مشمول کسور بازنشستگی می‌باشد و چنانکه در تبصره جزء «۱-۲» آن قانون تصریح شده است، در محاسبه مستمری بازنشستگی نیز مد نظر قرار می‌گیرد. بنابراین، تبصره «۱» بند (۶) مصوبه مبنی بر اینکه کسر کسور بازنشستگی از مبلغ موضوع قانون مذکور، «صرفاً» در تعیین پاداش بازنشستگی و ذخیره مرخصی محاسبه می‌شود، علاوه بر اینکه انحصار دادن موضوع به موارد مذکور از امور تقنینی بوده و نیاز به حکم قانون دارد، ضمناً از حیث تضییق احکام قانونی، مغایر قانون است».

نظارت قرار نگیرد. همچنین با توجه به طولانی بودن فرایند اعمال نظارت دیوان عدالت اداری بر مقررات دولتی ممکن است مصوبه‌ای تحت عناوین دیگری جهت اجرا توسط دولت ابلاغ شود، در حالی که این قسم از مصوبات می‌تواند مغایر با قوانین بوده و اجرای پاسداری از حاکمیت قانون را توسط رئیس مجلس مختل می‌کند. بر این بنیاد، از این جهت ضروری است در آیین‌نامه داخلی هیئت دولت تصریح شود که تمام مصوبات هیئت وزیران به غیر از تصویب لوایح، برای رئیس مجلس ارسال شود تا حسب مورد اعمال نظارت توسط رئیس مجلس مطابق اصول ۸۵ و ۱۳۸ قرار گیرد. این امر قطعاً به پاسداری از حاکمیت قانون و حفظ هر چه بیشتر جایگاه حقوق شهروندی و الزام دولت به رعایت قانون در زمان مقررات‌گذاری بسیار مؤثر است.

۴-۴. قابلیت رسیدگی قضائی نسبت به مصوبات عدم مغایر اعلام‌شده توسط رئیس مجلس

رئیس مجلس در بررسی مصوبات هیئت وزیران، اصولاً در صورت عدم احراز مغایرت، اقدام به اعلام نظر مبنی بر «عدم مغایرت» می‌کند. در چنین حالتی دستگاه‌های اجرایی و اشخاص، به زعم فقدان ایراد اقدام به برنامه‌ریزی و اجرا می‌کنند، در حالی که در چنین شرایطی و با وجود عدم حکم تبصره ۸ الحاقی قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی، این امکان وفق ماده ۱۰ و ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری وجود دارد که به صرف طرح شکایت اشخاص غیردولتی یا نهادهای موضوع ماده ۱۷ قانون اخیرالذکر، مصوبه‌ای که توسط رئیس مجلس عدم مغایرت اعلام شده است، نسخ یا ابطال شود. این امکان نظارت در مرجع قضائی از طرفی می‌تواند مجری مصوبه را همواره در خوف و رجا قرار دهد که شاید علی‌رغم برنامه‌ریزی‌های متعدد برای اجرایی کردن مصوبات دولتی، پس از مدتی دیوان عدالت اداری در اعمال نظارت قضائی خود نسبت به ابطال مقرر اقدام کند.

۴-۵. وقفه در اجرای مقررات

چالش دیگری که نسبت به نظارت رئیس مجلس مطرح شده، آن است که از جمله اصول حاکم بر حقوق اداری اصل عدم وقفه (استمرار) در اراده خدمات عمومی است که توسط دولت ارائه می‌شوند که به دلیل اینکه این خدمات برای رفع نیازهای عموم شهروندان

هستند، باید به صورت مستمر و مداوم ادامه یابد و متوقف نشود و اینکه در قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی به دولت تکلیف شده است تا هم‌زمان با ابلاغ مصوبه برای اجرا، آن را به اطلاع رئیس مجلس برساند و این اشکالاتی را به دنبال می‌آورد؛ از جمله این اشکالات این است که چنانچه مصوبه در حال اجرا و یا اجرا شده باشد، بعد از مدتی به دلیل خلاف قانون بودن توسط رئیس مجلس برای تجدیدنظر و اصلاح و سپس توقف مصوبه به هیئت وزیران باز پس فرستاده شود، در این صورت اصلاح مؤخر و توقف در اجرای مقررات خالی از اشکال نخواهد بود. این معضل در کنار تأخیر در ابلاغ مصوبات توسط دولت مضاعف تر می‌شود.

۵. اثر اعمال نظارت رئیس مجلس بر ارتقای کیفیت مقررات‌گذاری

بررسی رویه و تجربه نظرات رئیس مجلس نشان می‌دهد که بسیاری از مصوبات مغایر با قانون هیئت وزیران که ممکن است مورد مذاقه نهادهای نظارتی و یا شکایت اشخاص نزد دیوان عدالت اداری قرار نگیرد یا طرح دعوا نزد این مراجع با توجه به فرایند طولانی، موجب بقای مصوبه مغایر قانون در زمان طولانی شود و یا به جهاتی مراجع مذکور اقدام به رسیدگی و صدور حکم مقتضی نکنند، در حالی که با رسیدگی به‌هنگام و مؤثر هیئت تطبیق مصوبات و اعلام نظر رئیس مجلس، رویه مقررات‌گذاری تصحیح و اصل حاکمیت قانون بدون هیچ‌گونه تسامحی مورد احترام قرار می‌گیرد. به این ترتیب می‌توان اذعان داشت که نظارت رئیس مجلس به شرح زیر سبب ارتقای کیفیت مقررات‌گذاری و به‌طور خاص کیفیت مصوبات هیئت وزیران شده است:

۵-۱. لزوم رعایت قواعد شکلی و رویه‌ای وضع مصوبه

۵-۱-۱. ضوابط شکلی

ضوابط شکلی که در همه مصوبات دولت بایستی رعایت شوند، به شرح زیر است:

الف- شماره‌های مواد و مقررات به صورت عدد نوشته شود؛

ب- چنانچه یک ماده به بخش‌های مختلف تقسیم شود، برای هر بخش از شماره‌های

فرعی ترتیبی استفاده شود؛

ج- در شمارش موارد مختلف در یک ماده از ترتیب حروف الفبای فارسی استفاده شود؛

د- در الحاق یک یا چند ماده به هر یک از مواد قانونی از شماره فرعی عددی استفاده شود؛

ه- کلمات و اصطلاحات در سراسر مصوبه و مقررات به صورت یکسان به کار برده شود؛
و- تا حد امکان از لغات و اصطلاحات رایج و به کار رفته در دیگر قوانین و مقررات استفاده شود؛

ز- از کلمات یا اصطلاحات خارجی استفاده نشود؛ مگر آنکه معادل فارسی برای آن تعیین نشده باشد؛

ح- تاریخ به روز، ماه و سال شمسی نوشته شود؛

ط- در به کار بردن نام دستگاه‌های اجرایی کشور عنوان دقیق آن‌ها ذکر شود؛

ی- در جملات یک ماده، تا حد امکان از ذکر عبارت معترضه در بین خط تیره یا عبارت داخل کمانک خودداری شود؛

ک- در نوشتن مواد تا حد امکان از آوردن تبصره خودداری شود؛ تبصره‌های یک ماده نقش توضیحی و تفسیری ندارند و تنها برای تخصیص وضع می‌شوند و در صورت ضرورت توضیح، تکمیل و تفسیر یک ماده، ماده مستقل دیگری نوشته می‌شود.

ل- متونی که مخاطب عام دارد، تا حد امکان باید ساده‌سازی شود و از کاربرد واژگان دشوار و غیرقابل فهم خودداری شود؛

م- عبارات و کلمات به کار رفته در لوایح و مقررات، روشن و فاقد ابهام و اجمال باشد؛
ن- ذکر تعریف یا عبارات اختصاری در هر یک از مصوبات و مقررات منوط به تکرار بیش از یک بار آن عبارت یا اختصار در آن‌هاست.

س- هر مصوبه باید دارای عنوان معین، مقدمه شامل بیان مختصری از ضرورت تدوین، اهداف و سیاست‌ها، مستندات اصول قانون اساسی و در صورت اقتضا مستندات و مبانی شرعی، سیاست‌های کلی، قوانین عادی مرتبط و دلایل توجیهی باشد؛

ع - عنوان مصوبه باید مختصر و بدون کلمات اضافه باشد. در صورتی که مصوبه دارای عنوان اصلاحی است، عنوان قانون مورد اصلاح باید به طور کامل آورده شود؛

ف - قوانین اصلاح شده، منسوخ و مرتبط و گزارش مطالعات انجام شده و نظرسنجی عمومی و کارشناسی، گزارش تطبیق با شرع مقدس و قانون اساسی، سیاست‌ها و ملاحظات فرهنگی و آموزشی حسب ضرورت و اقتضا به پیوست هر مصوبه ارائه می‌شود.

ص - چنانچه در هریک از مصوبات یا مقررات حکمی آورده شود که متضمن نسخ یا اصلاح قانون دیگری یا الحاق ماده یا تبصره‌ای به آن باشد، باید به آن تصریح شود.

۵ - ۱ - ۲. لزوم همکاری تمام دستگاه‌ها و نهادهایی که قانونگذاری الزام به اخذ نظر آن‌ها در زمان وضع مقرر کرده است

چنانچه به موجب قانون، دولت موظف است در زمان وضع مقررات (از جمله در زمان اعلام تعطیلی رسمی در کشور در روزهای عادی که به دلیل حادثه‌ای غیر مترقبه و به منظور حفظ جان افراد این تصمیم گرفته می‌شود) مطابق با قانون مدیریت بحران کشور (مصوب ۱۴۰۱) نظر رسمی و موافقت مقامات و دستگاه‌های ذیربط را قبل وضع مقررۀ تعطیلی اخذ کرده باشد.

۵ - ۱ - ۳. لزوم عدم طبقه‌بندی مصوبه

از جمله الزامات دولت در زمان تدوین مصوبات رعایت الزامات قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (مصوب سال ۱۳۸۸) است که به صراحت در ماده ۲ آن بر لزوم حق دسترسی به اطلاعات عمومی برای همگان تأکید شده است. همچنین در سال ۱۳۹۰ قانونگذار در بند «الف» ماده ۳ قانون ارتقای سلامت نظام اداری به صراحت عنوان می‌دارد: «کلیه قوانین و مقررات اعم از تصویب‌نامه‌ها و ... مرتبط با حقوق شهروندی باید در دیدارگاه‌های الکترونیک به اطلاع عموم برسد ...» با تدبیر در نظریه‌های رئیس مجلس طی سالیان متمادی، این نتیجه حاصل شد که به موجب این دو تکلیف قانونی، تعدادی از مصوبات هیئت وزیران که با طبقه‌بندی محرمانه و بدون انتشار عمومی تصویب شده بود، در فرایند اصلاح و اعمال نظارت رئیس مجلس از طبقه‌بندی خارج و به صورت عادی

منتشر و ابلاغ شدند. به‌طور نمونه هیئت وزیران به موجب تصویب‌نامه شماره ۱۰۵۱۰۶/ت/۱۳۷۹هـ.مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۸، مصوبه قبلی خود را که با وصف خیلی محرمانه ابلاغ شده بود و به موجب رأی قطعی رئیس مجلس ملغی الاثر شده بود از طبقه‌بندی خارج و به صورت عادی منتشر کرد.

۵-۲. لزوم رعایت قواعد ماهوی مصوبه

قوة مجریه در وضع قوانین بایستی قواعد ماهوی را رعایت کند:

۵-۲-۱. لزوم تأمین بار مالی مصوبات از قبل

از دیگر مواردی که به‌طور مکرر در نظریات رئیس مجلس درمورد مصوبات هیئت وزیران به چشم می‌خورد، ایرادات وارده به مصوبات قبل از تصریح به نحوه و محل تأمین بار مالی آن به موجب بند «ن» ماده ۲۸ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) است که به موجب آن می‌بایست دقت شود تا مصوباتی که متضمن بار مالی برای دولت هستند، در صورتی قابل طرح، تصویب و اجرا هستند که بار مالی ناشی از آن در گذشته محاسبه و در قانون بودجه کل کشور یا منابع داخلی دستگاه اجرایی ذریبط تأمین شده باشد.

۵-۲-۲. ممنوعیت توسعه یا تضییق حکم قانون توسط مصوبه

با تدبیر در نظریه ابلاغی رئیس مجلس به شماره ۱۳۵۶۸/هـ ب مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۸ درخصوص اصلاح اساسنامه سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور به این نتیجه می‌توان رسید: از نکته‌های مهمی که در راستای پاسداری از قانون در این نظریه‌ها به چشم می‌خورد، جلوگیری از خروج دولت‌ها در تصویب مصوبات خارج از صلاحیت‌های مقرر و مشخص شده در قانون بوده است. درمورد مصوبه مورد اشاره، هیئت وزیران اقدام به اصلاح اساسنامه‌ای کرده بود که قانونگذار خود به موجب ماده ۱۵ قانون درآمد پایدار و هزینه‌های شهرداری‌ها و دهیاری‌ها (مصوب ۱۴۰۱) بر لزوم ارسال لایحه توسط دولت جهت اصلاح اساسنامه سازمان مذکور در مجلس تأکید داشته و اصلاح اساسنامه با مصوبه

هیئت وزیران را خارج از حدود صلاحیت دولت و از حیث توسعه شمول قانون ملغی الاثر کرده است.

۵-۲-۳. ممنوعیت وضع مجازات یا محرومیت مازاد بر حکم صریح قانون

تحقق جرم و صدور حکم مجازات منوط به نص صریح قانون است (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی) و چون بدون وجود قانون جرم محقق نمی‌شود، گزاف نیست که گفته شود قانون رکن لازم جرم است (لزوم عنصر قانونی). در این رابطه، مصوبات هیئت وزیران نایستی مجازات یا محرومیتی وضع کند که خلاف نص صریح قانون مصوب مجلس باشد.

۵-۲-۴. ممنوعیت وضع مصوبه تبعیض آمیز

مصوبات دولت نایستی تبعیض آمیز باشد و میان شهروندان نابرابری ایجاد کند. در همین راستا مصوبات متعددی به استناد بند ۵ ماده ۱۲ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۱) مصوب ۱۳۸۴ مورد ایراد رئیس مجلس قرار گرفته است که از جمله می‌توان به نظریه شماره ۱۶۰۰۶/هـ ب مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۱ در خصوص تصویب نامه تعیین سود بازرگانی خودروهای وارداتی اشاره کرد.^۱

۵-۲-۵. ممنوعیت عطف به ماسبق کردن مصوبات

برای نمونه، رئیس مجلس طی نظریه شماره ۶۱۸۸ هـ ب مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۲ و به استناد ماده ۴۰ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸ مصوبه هیئت وزیران مبنی بر تعیین قیمت و سازوکار فروش سهام شرکت‌های قابل واگذاری در بورس و فرابورس را از این جهت که این امر طبق قانون مزبور در صلاحیت هیئت واگذاری است

۱. بند ۵- دولت مکلف است با حذف تخفیف و معافیت‌ها، ضمن وصول درآمدهای دولت از ایجاد امتیاز برای افراد خاص جلوگیری کند. شورای اقتصاد و سایر مراجع نمی‌توانند به‌طور موردی سود بازرگانی یا مابه‌التفاوت را برای اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از دولتی و غیردولتی تخفیف داده یا مشمول بخشودگی نموده و یا با وضع تعرفه‌ها برای اشخاص فوق‌الذکر ایجاد امتیاز کند.

خارج از صلاحیت هیئت وزیران دانست و مصوبه را ملغی‌الاثرا اعلام کرد. همچنین به موجب نظریه شماره ۶۱۸۱ ه ب مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۰ رئیس مجلس، اقدام دولت در اصلاح تعرفه‌های سود بازرگانی کالاهای وارداتی در سال ۱۴۰۲ و عطف آن به ابتدای سال ۱۴۰۲ مغایر با ماده ۴ قانون مدنی ناظر بر عدم امکان عطف به ماسبق شدن مقررات دولتی بدون اذن قانونگذار مغایر قانون اعلام شده است.

نتیجه

فارغ از چالش‌های بیان شده در فرایند نظارت رئیس مجلس که مهم‌ترین آن شاید محدود شدن قلمرو نظارت رئیس مجلس به واسطه تفسیر کلمه «قوانین» در اصل ۱۳۸ قانون اساسی بود که سبب شد تا دامنه این نظارت به قوانین عادی محدود شود و عملاً ضرورت انطباق اقدامات مقامات صاحب صلاحیت و هیئت وزیران برای وضع مقرر با قانون اساسی بدون نهاد ناظر باقی بماند و تنها منحصر به نظارت قضائی دیوان عدالت اداری آن هم با سازوکارهای طولانی پیچیده شود که عمدتاً هم بدون نظارت باقی می‌ماند. اما با بررسی نظریات رئیس مجلس که در طول سالیان متمدی با بهره‌مندی از طریقت هیئت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین متشکل از حقوقدانان برجسته و کارشناسان خبره در رشته‌های مختلف (موضوع تبصره ۵ ماده واحده قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی مصوب سال ۱۳۸۷) که به‌عنوان بازوان مشورتی رئیس مجلس بررسی‌های مقدماتی را در مورد مصوبات هیئت وزیران اعمال می‌دارند، موجب شده تا مقررات گذاری تصحیح و اصل حاکمیت قانون بدون هیچ‌گونه تسامحی مورد احترام قرار گیرد. به این ترتیب می‌توان اذعان داشت نظارت رئیس مجلس موجب شده تا با الزام مقررگذار به رعایت قواعد و ضوابط شکلی و رویه‌ای وضع مصوبه، لزوم همکاری تمام دستگاه‌ها و نهادهای پیشنهاددهنده، عدم طبقه‌بندی مصوباتی که موجب حق یا تکلیف عمومی است، لزوم رعایت قواعد ماهوی در وضع مقررات، ممنوعیت توسعه یا تضییق حکم قانون توسط مصوبه، ممنوعیت وضع مجازات یا محرومیت مازاد بر حکم قانون، ممنوعیت وضع مصوبه تبعیض‌آمیز و ممنوعیت عطف به ماسبق کردن مصوبات، کیفیت مقررات گذاری و به‌طور

خاص کیفیت مصوبات هیئت وزیران ارتقا یابد. همچنین این نظارت موجب شده تا دولت‌ها در اعمال صلاحیت‌های ذاتی خود در وضع مقررات، توجه به اصل حاکمیت قانون و حقوق و آزادی‌های شهروندان داشته باشند و سعی کنند تا حد امکان از وضع مقررات مغایر با قانون جلوگیری کنند. به نظر می‌رسد یکی از رهیافت‌های مناسب برای دولت‌ها توجه به همین نظریات رئیس مجلس است که می‌تواند پیشاپیش از وضع مقررات مغایر با قانون جلوگیری کند و مسیر دولت‌ها در اجرای مقررات را هموارتر سازد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اداره کل قوانین و مقررات (۱۳۶۹)، **مشروح مذاکرات بازنگری قانون اساسی**، تهران: مجلس شورای اسلامی، روابط عمومی.
- بابک درویشی و فرشته کاظم‌زاده (۱۳۹۷)، «تحلیل حقوقی چالش‌های نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی بر مصوبات قوه مجریه»، **فصلنامه حقوق اداری**، دوره ۶، شماره ۱۷.
- پروین، خیرالله و آرین پتفت (۱۳۹۴)، «حدود نظارت تقنینی بر مصوبات هیئت وزیران با تأکید بر اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران**، دوره ۴۵، شماره ۱.
- تقی‌زاده، احمد و احمد حبیب‌نژاد (۱۴۰۱)، «بازخوانی جایگاه ریاست قوه مقننه در نظام حقوق اساسی ایران»، **پژوهش حقوق عمومی**، دوره ۲۴، شماره ۷۷.
- تپلا، پروانه (۱۳۸۳)، «گستره صلاحیت آیین‌نامه‌سازی قوه مجریه از منظر حقوق عمومی»، **پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۶.
- حبیب‌نژاد، سید احمد و سیده زهرا سعید (۱۳۹۹)، «چالش‌های نظارتی مجلس شورای اسلامی بر برنامه‌های توسعه»، **دانش حقوق عمومی**، دوره ۹، شماره ۲۸.
- حبیب‌نژاد، سید احمد (۱۴۰۲)، **نظارت پارلمانی: اصول، آسیب‌شناسی و بایسته‌ها**، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- خسروی، حسن (۱۳۹۵)، «تحلیل سازوکار نظارت رئیس مجلس بر مصوبات قوه مجریه»، **نشریه حقوق اساسی**، دوره ۱۲، شماره ۲۴.
- راسخ، محمد (۱۳۹۸)، **نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی**، تهران: دراک.
- راجی، سیدمحمد هادی و محمد برومند (۱۳۹۲)، «معیارهای تشخیص و محدوده امور تقنینی و اجرایی در آرای شورای نگهبان»، **فصلنامه دانش حقوق عمومی**، دوره ۲، شماره ۴.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳)، **حقوق تطبیقی**، تهران: سمت.
- صادقی نشاط، امیر (۱۳۹۴)، **آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: میزان.
- صوفی، علی، علی‌رضا عسکرانی و محمدرضا صادقی (۱۳۹۸)، «تحلیل چالش تفکیک قوا در دوره پهلوی دوم؛ نمونه پژوهی: تفسیر اصل ۸۲ متمم قانون اساسی»، **پژوهش‌های تاریخی**، شماره ۱۱ (۲).
- عبوضی، محمدرحیم (۱۳۸۳)، «شاهی که می‌خواست خدایی کند (مطالعه تطبیقی سه مفهوم استبدادگرایی، اقتدارگرایی و نوسازی در عصر پهلوی)»، **زمانه**، شماره ۲۵.

- فلاح‌زاده، علی‌محمد و همکاران (۱۳۹۱)، **تفکیک تقنین و اجراء، مرکز تحقیقات شورای نگهبان**، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری.
- فلاح‌زاده، علی‌محمد و محمدامین ابریشمی راد (۱۳۹۳)، «سنجش سازوکار برتر نظارت بر مقررات دولتی در ایران؛ نقدی بر نظارت موازی رئیس مجلس و دیوان عدالت اداری بر مقررات دولتی»، **دانش حقوق عمومی**، شماره ۹.
- فدایی جویباری، معصومه، جواد تقی‌زاده و مرتضی نجابت‌خواه (۱۳۹۶)، «تحلیل راهبردی واژه "قوانین" در اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی»، **نشریه راهبرد**، شماره ۸۲.
- قزوینی‌نژاد، وحیده (۱۳۹۲)، **بررسی چالش‌های پاسخ‌گویی قوه مجریه در مقابل قوه مقننه در نظام حقوقی ایران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، سمنان: دانشگاه سمنان.
- کدخدایی، عباسعلی و ابوالفضل درویشوند (۱۳۹۱)، «نظارت بر مقررات دولتی (اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی)»، **بررسی‌های حقوق عمومی**، شماره ۱.
- محسنی، فرید و سید محمد مهدی غمامی (۱۳۹۲)، «آسیب‌شناسی مغایرت‌های تصویب‌نامه‌های دولت در رسیدگی رئیس مجلس شورای اسلامی (موضوع اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی)»، **بررسی‌های حقوق عمومی**، شماره ۱.
- محمودی، عبدالحسین (۱۳۹۵)، **حقوق اساسی (تحلیلی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)**، تهران: موج اندیشه.
- مهرپور، حسین (۱۳۸۷)، **مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: دادگستر.
- مددکار حق‌جو، مهناز، بیژن عباسی، خیراله پروین و سید محمد هاشمی (۱۳۹۸)، «تحلیل حقوقی و آسیب‌شناسی ضمانت اجرای نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی بر مصوبات هیئت وزیران و آثار مترتب بر آن»، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، دوره ۲۲، شماره ۸۸.
- مؤذنیان، محمدرضا (۱۳۸۱)، **مجموعه نظریات شورای نگهبان: تفسیری و مشورتی در خصوص اصول قانون اساسی به انضمام استفساریه‌ها و تذکرات ۱۳۸۰ - ۱۳۵۹**، تهران: مرکز تحقیقات شورای نگهبان.
- ویژه، محمدرضا (۱۳۹۳)، «ارزیابی صلاحیت نظارتی رئیس مجلس شورای اسلامی بر مصوبات دولت»، **پژوهشنامه حقوق اسلامی**، دوره ۱۵، شماره ۱ (پیاپی ۳۹).

